

نشریه «صبح» مهدی نصیری و حضور گاه و بگاه خیابانی در عرصه ظاهر می شدند، احمدی نژاد در سکوت بود تا روز سوم تیر ۱۳۸۴. مادر زمستان سال ۱۳۹۰ او بار دیگر دگردیسی را به خود دیده بود و از راست سنتی رویگردان و در پی حلقه نزدیک یاران. در سال ۱۳۹۰ نگاه از احمدی نژاد برگشته بود و نگاه احمدی نژاد به حلقه نزدیک یاران خود و این بار اصولگرایان نگران تسخیر مجلس توسط یاران احمدی نژاد بودند. شش سال باید طول می کشید تا حداد عادل در پانزدهم مهر ماه ۱۳۹۰ در گفت و گو با خبرگزاری فارس بگوید: «جریان انحرافی حرفی نمی زند، ولی نمی توانیم این سکوت را نشانه سکون بدانیم. ممکن است سکوتی باشد همراه با حرکت، نه سکوتی نشانه سکون، چون قرآن و نشانه های این طرف و آن طرف هست که طراح های برای به دست گرفتن دو سوم مجلس نهم در جریان بوده است.» حیدر مصلحی اما به رغم حضور در دولت در حلقه مخالفان دولت بود و شاید برای همین برخی انتخابات مجلس نهم را یکی از حساس ترین انتخابات تاریخ مجلس شورای اسلامی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ نامیده اند و اصولگرایان با دور قیاب اصلاح طلب و اصولگرایان انحرافی سرشاخ بودند و بارها حداد عادل درباره حضور اصلاح طلبان در انتخابات هم هشدار می داد. اما اصلاح طلبان این بار بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ و مشکلاتی که دوحزب مشارکت اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به وجود آورده بودند و زندانی بودن خیلی از فعالان سیاسی

انگیزه ای برای حضور جدی در انتخابات نداشتند و همان زمان محمد رضا خاتمی اعلام کرد که اصلاح طلبان در انتخابات شرکت نخواهند کرد؛ اما همان زمان سید محمد خاتمی در حوزه دماوند پای صندوق رأی رفت. افرادی مانند محمد رضا تابش، غلامرضا تاج گردون، سهیلا جلودارزاده و علیرضا محجوب به مجلس راه یافتند و توان ایجاد یک اقلیت تأثیرگذار نبود. اصولگرایان در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، با جبهه متحد اصولگرایان، جبهه پایداری و حامیان گفتن انقلاب اسلامی (حامیان دولت نهم و دهم) در درجه اول تأثیرگذاری بودند و منتقدان دولت نهم و دهم به رهبری علی مطهری در درجه دوم تأثیرگذاری.

با شروع به کار مجلس نهم، اختلافات داخلی اصولگرایان نمایان تر شد. طیف حداد عادل برای ریاست اوبه مجلس اصرار داشت و طیف دیگری به ریاست علی لاریجانی فکر می کرد. اصولگرایان مجلس برخلاف رویه گذشته، نتوانستند یک فراکسیون واحد تشکیل دهند و فراکسیون رهروان ولایت اعلام موجودیت کرد؛ فراکسیونی که اکثریت نمایندگان مجلس در آن حضور داشتند و از لاریجانی حمایت می کردند با تعداد ۱۷۳ نماینده. حامیان حداد عادل متشکل از

جمعیت ایثارگران، جمعیت رهپویان و البته اعضای جبهه پایداری بودند که با ایجاد فراکسیون اصولگرایان با تعداد حدود ۱۰۰ نماینده به ائتلاف سیاسی خود ادامه دادند.

■ بادولت، علیه دولت

با پیروزی دولت اعتدال به ریاست حسن روحانی، طیفی که به علی لاریجانی نزدیک بود به دلیل گرایش های معتدل تر خود را به کابینه نزدیک تر دید و بنای حمایت از کابینه را گذاشت. اما فراکسیونی که حداد عادل ریاست آن را بر عهده داشت چند روز قبل از رأی اعتماد به کابینه گفت: «مصلحت نمی دانم درباره اشخاص اظهار نظر کنم اما به طور کلی سعی می کنیم کابینه معتدل روحانی، معتدل تر شود.» همان زمان فراکسیون حداد عادل تلاش برای رای یاب کردن چند وزیر کابینه را آغاز کرد و علیرضا زاکانی در جلسات ۴ روزه مجلس یکی از فعال ترین چهره ها بود. او چند بار به عنوان مخالف وزیرای پیشنهادی در صحن علنی مجلس سخنرانی کرد. زاکانی مهم ترین نقطه شورش را در انتقاد و مخالفت با اولین وزیر پیشنهادی کابینه حسن روحانی بیان کرد. وی در نطقی با انتقاد شدید از عملکرد محمد علی نجفی خواستار رأی عدم اعتماد نمایندگان به این گزینه پیشنهادی کابینه یازدهم شد. زاکانی در حالی که محمد علی نجفی را در مقابل می دید،

خطاب به نمایندگان گفت: «برخی از دوستان آقای نجفی در دوره ای به وی گفتند که چرا در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدان نمی شوید که وی پاسخ داد کسی باید در انتخابات کاندید شود که به حکومت اسلامی اعتقاد دارد.» او حتی گفت که «شخصیت سیاسی نجفی یک شخصیت معتدل برای اداره آموزش و پرورش کشور نیست.» اوبه همراه احمد توکلی نطق دیگری علیه زنگنه داشت؛ اما در همان جلسات حداد عادل سکوت پر معنایی داشت. او در موافقت و مخالفت با هیچ کدام از وزرا سخنی نگفت. اگر چه او چند روز قبل از جلسات رأی اعتماد گفته بود که «باید برای معتدل تر شدن کابینه روحانی تلاش کنیم.» اما مخالفت پایداری ها با دولت یازدهم و کابینه اش تا آخر پایداری ماند، طوری که در رأی به برجام مهدی کوچک زاده پلاکاردی در دست گرفت که روی آن نوشته بود: «مجلس از تصمیم لاریجانی، شمشخانی و حجازی تبعیت کرد، در برجام؛ ما نکردیم.» آنهاشان دادند که حتی به اجماع حاکمیتی هم تن نمی دهند؛ آنها تا پایان عمر مجلس نهم به هر بهانه ای در مقابل دولت بودند و منتسب به تندروان مجلس شدند.

مجلس پر حاشیه نهم در ششم خرداد ۱۳۹۵ به پایان رسید. در این مجلس عده ای حاشیه می ساختند و نمایندگانی دیگر هدف حاشیه سازی قرار می گرفتند. نطق های علی مطهری و مواضع صریح و شفافش با انواع و اقسام روایه رومی شد؛ از هجمه فیزیکی برخی از نمایندگان دلواپس در میان نطق او تا تلاش برای پایین کشیدنش از جایگاه تا آجرهای پرتاب شده به مطهری در شیراز تا فریادهای کوچک زاده در جلسه رأی اعتماد به وزیرای کابینه دولت یازدهم و فریادهایش در میان نطق مطهری و در جلسات بررسی برجام.

■ پایداری علیه اصولگرایی؛ امید علیه امید

مجلس نهم به روزهای پایانی نزدیک می شد، رقابت برای مجلس دهم در ابتدای راه بود و دولت اعتدال در دومین سال از عمر خود. همان زمان بارها غلامعلی حداد عادل هشدار می داد که مبادا مجلس ششم تکرار شود؛ مخاطب هشدار رئیس فراکسیون اصولگرایان رادیکال در مجلس، نیروهای هم جناحی او بودند. او معتقد بود که اگر اصولگرایان در مجلس دهم به اجماع و به لیست واحد نرسند، شکست شان حتمی است؛ آنها اما هرگز به اجماع نرسیدند. اما فرآیند غیر شخصی سازی اصلاح طلبی از سال ۱۳۹۲ شروع شده بود و نتیجه آن پیروزی دولت اعتدال بود و ۱۸ سال بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ در آستانه انتخابات مجلس دهم شورای اسلامی اصلاح طلبان محدود به یک جناح یا حزب سیاسی نبودند و دامنه حزب خود را گسترده کرده بودند تا استراتژی گام به گام را اجرا کنند و بار دیگر در زمستان سال ۱۳۹۴ تجربه بهار ۱۳۹۲ را تکرار کنند. محمد رضا عارف در سر لیست ائتلاف فراگیر اصلاح طلبان و حامیان دولت با رأی یک میلیون و شصت هزار تایی از امیدواران پایتخت به مجلس دهم راه یافت و به همراه ۲۹ نفر دیگر به بهارستان رفتند. عارف با خواست سید محمد خاتمی در بهار ۱۳۹۲ به نفع حسن روحانی کنار کشیده بود و این بار هم در کنار رأی مردم، حمایت نخبگان را به همراه داشت. حالا کسانی که هشت سال از مرگ اصلاح طلبان گفته بودند در مقابل پیروزی آنها در اوج حرمان و خسران خود می گفتند و از نوزایی اصلاح طلبی می نوشتند. اما عارف در مجلس نتوانست از رقیب خود سبقت بگیرد و به صندلی ریاست تکیه دهد. در روز انتخاب رئیس مجلس دهم نمایندگان دوره دهم مجلس در نهم خرداد ۹۵ انتخابی سر نوشت ساز کردند؛ از ۲۸ رأی ریخته شده به گلداران برای انتخاب رئیس موقت مجلس دهم، علی لاریجانی ۱۷۳ رأی کسب کرد و محمد رضا عارف ۱۰۳ رأی (با رأی سفید). بنابراین لاریجانی به کورد هاشمی رفسنجانی رسید که سه دوره پیاپی رئیس مجلس شده بود. اگر آن روز رأی عارف بیشتر می شد، لاریجانی به سر نوشت ناطق نوری دچار می شد که فقط دو دوره پیاپی رئیس مجلس بود و جایش را به یک اصلاح طلب (کروبی) داد.

رئیس فراکسیون امید، فراکسیونی که بعد ها به تکرار از طرف اعضای فراکسیون و طرفدارانش مورد نقد قرار می گرفت اما نتوانست از سرمایه اجتماعی خود بدرستی بهره گیرد تا اینکه برخی از ناامیدی به امید گفتند و در رأس آن حزب کارگزاران بود. او دوبار دیگر هم با لاریجانی بر سر کرسی ریاست رقابت کرد و هر بار از رقیب عقب ماند و هر بار اعضای فراکسیون امید از عهد شکنی رقیب گفتند و برخی این جمله را سر لوحه خود قرار داده بودند: «(نه دول و نه پرچم سفید)». مجلس دهم در فراز و فرود خود، از حمایت تمام قذافر جام FATF تا اعلام بی خبری از تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین در نهایت به نقطه ای رسیدند که عارف از حضور در انتخابات مجلس بعدی منصرف شد و لاریجانی حمایت اصولگرایان را از دست داد. اما روایت هر چه باشد در نهایت عارف و لاریجانی به یک تصمیم رسیدند: عطای نمایندگی را به لقایش بخشیدند؛ شاید هر دومی خواهند بخت خود را برای رفتن به پاسور باز نمایند. اما خیلی هادر حسرت همان مجلس اول هستند؛ عقب گرد پیش به سوی گذشته؛ گذشته ای که آن را بهترین می خوانند و خانه قانونگذاری امروز را استوار بر سراب می پندارند.